سایه‌روشن

دردِدل‌های دختری که پدرش حتی یک‌بار او را در آغوش نگرفته است

دلم برای پدرم تنگ شده

سارا راوی| «نمی‌دانم چه‌اش شده است. همیشه توی خودش است و گاهی بی‌خودی گریه می‌کند و گاهی الکی شادمان است. نمی‌دانستم چه باید بکنم که یکی گفت پیش مشاور ببرش. از شما چه پنهان، پولی نداشتم که به مشاور بدهم، تا اینکه یکی از دوستانم شما را معرفی کرد.» این مادر جوان و دختر پانزده‌ساله‌اش به مرکز مشاوره پلیس مراجعه کرده بودند. مادر معتقد بود دخترش قدر زندگی‌اش را نمی‌داند و به چیزهای بیخود و واهی دل خوش کرده است. در این میان، مبینای پانزده‌ساله ساکت بود و در قبال صحبت‌های مادرش فقط سکوت کرده بود. او طوری رفتار می‌کرد که انگار درباره دختر دیگری صحبت می‌کردند. روان‌شناس مرکز پلیس که اوضاع را این‌گونه دید، از مادر خواست که ساعتی او را با مبینا تنها بگذارد. مادر که چاره دیگری نداشت، از اتاق بیرون رفت. مبینا وقتی دید مادرش رفته است، بدون هیچ مقدمه‌ای شروع کرد به اشک‌ریختن و گفت: «دلم برای بابایم تنگ شده است.» مشاور پلیس که از خلاصه زندگی این خانواده مطلع شده بود، اجازه داد تا دختر گریه کند و به‌اصطلاح سبک شود. پس از آرام‌گرفتن دختر، مشاور دست‌های او را در دستانش گرفت و به او لبخند زد. همین حرکت کوچک انگار مبینا را آرام کرده بود. دختر در ادامه زندگی‌اش را این‌گونه تشریح کرد.

یادم هست که دبستانی بودم و به روز پدر رسیده بودیم. دوستان و هم‌کلاسی‌هایم برای پدرشان هدیه می‌خریدند و من با حسرت نگاهشان می‌کردم. وقتی به خانه رفتم، از مادرم پرسیدم: «مامان، پدر من کجاست؟» او پاسخ داد: «پدرت به سفر رفته است و دیگر هیچ‌وقت برنمی‌گردد.» مدتی بعد فهمیدم که پدر و مادرم از یکدیگر جدا شده‌اند و پدرم دوباره ازدواج کرده است و در شهر دیگری زندگی می‌کند. خیلی دوست داشتم بروم و او را ببینم، اما هیچ آدرسی از او نداشتم. مادرم همیشه می‌گفت که پدرت اگر تو را دوست داشت، هیچ‌گاه ترکت نمی‌کرد. شاید مادرم راست می‌گفت، اما من نمی‌خواستم این حرف را باور کنم. همیشه با خودم می‌گفتم که پدرم دختر کوچکش را گم کرده است و حتما روزی برمی‌گردد.

سهم من از پدر فقط حسرت بود

چاره‌ای نداشتم جز اینکه دل‌خوش باشم به یک عکس قدیمی از پدرم. گاهی که خیلی دل‌تنگ می‌شدم، با همان عکس کهنه و قدیمی حرف می‌زدم و درددل می‌کردم. وقتی به تصویر مبهم پدرم خیره می‌شدم، از او می‌خواستم که روزی برگردد. البته در این میان مادرم خیلی به من محبت می‌کرد، ولی هیچ چیز نمی‌توانست جای خالی پدر را برایم پر کند. سهم من از محبت پدری فقط حسرت بود.

دل‌خوش به دیدار پدر

خلاصه دوران کودکی‌ام را با رؤیای دیدار پدرم گذراندم و به پانزده‌سالگی رسیدم. در این وضعیت دچار بیماری سختی شدم. مادرم با اضطراب و نگرانی مرا نزد چندین پزشک متخصص برد و آن‌ها بیماری‌ام را سرطان تشخیص دادند. من از سرطان نمی‌ترسیدم، اما دوست نداشتم موهای زیبا و بلندم را از دست بدهم، چون در فیلم‌ها دیده بودم هرکس سرطان می‌گیرد، موهایش می‌ریزد. خلاصه جلسات شیمی‌درمانی آغاز شد و مدتی بعد با پایان یافتن جلسات شیمی‌درمانی، مقدمات انجام عمل جراحی فراهم شد. یک‌روز به‌طور اتفاقی مکالمات تلفنی مادرم را با فردی ناشناس شنیدم. او با گریه فریاد می‌زد که اگر می‌خواهی دخترت زنده بماند، بیا و رضایت‌نامه عمل جراحی دخترت را امضا کن. من متوجه شدم که آن‌سوی خط پدرم است. خیلی خوش‌حال شدم از اینکه می‌خواستم پس از سال‌ها پدرم را ببینم و تنهاناراحتی‌ام این بود که دیگر موهای زیبا و بلندی ندارم که پدرم آن را نوازش کند و ببافد.

پدرم را دیدم

خلاصه در بیمارستان بستری شدم تا مقدمات عمل فراهم شود. قرار بود پدرم بیاید و رضایت‌نامه عمل جراحی را امضا کند. هرلحظه منتظر بودم تا پدرم در اتاق را باز کند و من را در آغوش بگیرد و با هم گریه کنیم. یک‌روز صبح صدای فریادهای مادرم را از بیرون اتاق شنیدم. به‌سختی از روی تخت پایین آمدم و به راهرو رفتم که تصویر مردی را دیدم که با گام‌های سریع راهرو بیمارستان را ترک می‌کرد. بله، او پدرم بود. می‌خواستم با همه وجود صدایش بزنم، اما نتوانستم. مادرم به من گفت که پدرت از بیمارستان رفت و دیگر برنمی‌گردد، چون می‌ترسد در قبال هزینه‌های سنگین عمل جراحی از او پولی بخواهیم. حالا مدتی است که از آن روز می‌گذرد و من هنوز تحت درمان هستم. شاید باورتان نشود، اما گاهی در دل خوش‌حالم که به این بیماری مبتلا شدم و پس از پانزده‌سال پدرم را دیدم. اما اکنون خیلی دلم برایش تنگ شده است و دوست دارم دوباره او را ببینم، اما...

در ادامه مشاور پلیس با مشاهده علائم افسردگی، تست‌های لازم را از دختر گرفت. با تأیید این بیماری، موضوع به مادرش اعلام شد. کارشناسان مرکز مشاوره پلیس از مادر خواستند تا جلسات روان‌درمانی را در این مرکز پشت‌سر بگذارند تا بهبودی حاصل شود. زیرا رها کردن بیمار در این وضعیت، احتمال وقوع خطر برای دختر نوجوان را تشدید می‌کند و احتمال دارد مبینا تصمیم‌های اشتباهی در زندگی‌اش بگیرد.

متهمی که با رها کردن همدستانش از دستگیری گریخته بود، این بار همدستش گریخت و او دستگیر شد

پلیس به فرار سارق سابقه‌دار پایان داد

سعید جلائیان

گزارش

حدود یک سال پیش بود که در جریان عملیات دستگیری تعدادی سارق خودرو، از میان متهمان، یک متهم توانست متواری شود. مدت‌ها از این متهم خبری نبود، اما مأموران دایره تجسس کلانتری قاسم‌آباد او را فراموش نکردند و همچنان تصویرش را روی تابلو متهمان تحت تعقیب نگه داشتند. در این مدت، پلیس چندین بار تا یک قدمی دستگیری متهم پیش رفت، اما او هر بار پیش از بازداشت، محل اختفایش را تغییر می‌داد و مدت‌ها از او در حوزه استحفاظی کلانتری قاسم‌آباد خبری نبود.

تحقیقات پلیس برای دستگیری این متهم متواری ادامه داشت، تا اینکه در جریان سرقت یک دستگاه پژو پارس، مأموران به سرنخ‌هایی دست پیدا کردند که از بازگشت این متهم همراه همدست یا همدستان جدیدش به منطقه قاسم‌آباد خبر می‌داد. با تأیید انجام این سرقت توسط متهم متواری، سرهنگ محمد زنگنه، رئیس کلانتری قاسم‌آباد، شخصا به این پرونده ورود کرد و با صدور دستوراتی تخصصی، تیمی از مأموران دایره تجسس این مرکز پلیس را مسئول دستگیری متهم و همدستانش کرد. به دنبال این دستور، مأموران با توجه به شناختی که از شگردهای متهم داشتند، موفق به کشف ردپای او و همدستانش در سرقت پلاک یک دستگاه خودرو، آن هم از منطقه چمن مشهد شدند. با توجه به مهارت متهم و شگرد خاصی که داشت، به نظر می‌رسید متهم با هدف گمراه‌کردن پلیس این سرقت را انجام داده است.

در ادامه تحقیقات، مأموران با استفاده از تجهیزات نوین پلیس و انجام اقدامات اطلاعاتی گسترده، موفق به شناسایی مسیر تردد متهم و خودرو سرقتی در بولوار طبرسی و منطقه عباس‌آباد مشهد شدند؛ مناطقی که در آن پلیس چندین گزارش سرقت باتری و لوازم خودرو دریافت کرده بود. تلاش تیم تحقیق ادامه داشت تا اینکه مأموران در جریان بازبینی تصاویر یک دوربین مداربسته در محدوده وقوع یکی از این سرقت‌ها، موفق به چهره‌زنی متهم همراه دو همدستش شدند. مأموران با دنبال‌کردن این سرنخ مهم، عملیات ردزنی متهم را ادامه دادند تا اینکه به خیابان نظام دوست در منطقه عباس‌آباد رسیدند.

شناسایی خودرو سرقتی مقابل یک مجتمع

با تنگ‌ترشدن حلقه محاصره، مأموران به منظور ردزنی محل اختفای متهم، ضمن بهره‌بردن از ظرفیت‌های اطلاعاتی پلیس، به صورت نامحسوس گشت زنی هدفمندی را در منطقه آغاز کردند. برنامه پلیس برای رسیدن به متهمان از طریق کشف خودرو سرقتی، سرانجام جواب داد و مأموران پژو پارس نوک مدادی را در مجاورت یک مجتمع مسکونی کشف کردند. پس از شناسایی خودرو، مأموران با تحقیقات میدانی به این نتیجه رسیدند که متهم همراه یکی از همدستانش در طبقه سوم یک مجتمع مسکونی پنهان شده است. با کشف مخفیگاه متهمان و تأیید حضور متهم در آن، مأموران وقت را هدر ندادند و پس از هماهنگی با مقام قضایی، عملیات دستگیری متهم و همدستش را آغاز کردند.

لودادن همدست توسط متهم حرفه‌ای

در گام نخست عملیات دستگیری متهم، مأموران کلانتری قاسم‌آباد با کمک ساکنان منطقه طبرسی شمالی وارد مجتمع شدند. پس از رسیدن مأموران به طبقه سوم، همدست تازه‌کار متهم حرفه‌ای در آپارتمان را به روی مأموران گشود. مأموران ابتدا همدست متهم را که با فریادش ساکنان خانه را از حضور پلیس باخبر کرده بود، دستگیر و سپس متهم حرفه‌ای را که از یک سال قبل تحت تعقیب بود، وادار به تسلیم کردند. با دستگیری این دو متهم، مأموران در بازرسی از مخفیگاه متهمان موفق به کشف تعداد درخورتوجهی لوازم و باتری خودرو شدند. متهم حرفه‌ای که می‌دید یکی پس از دیگری با کشف لوازم از مخفیگاهش به حجم پرونده‌اش افزوده می‌شود، با اشاره به پنجره یکی از اتاق‌ها مدعی شد: «ما در اینجا سه نفر بودیم و یک سردسته داشتیم که موقع ورود شما از پنجره طبقه سوم پایین پرید و فرار کرد.»

مأموران می‌دانستند ممکن است متهم از این اعتراف و لودادن همدستش نقشه‌ای داشته باشد، اما وقتی از حضور سومین متهم در این مخفیگاه مطمئن شدند، عملیات تعقیب متهم فراری را هم‌زمان با انتقال متهمان دستگیرشده و اموال به مقر پلیس آغاز کردند. تلاش پلیس برای کشف جرائم احتمالی اعضای این باند و دستگیری متهم متواری ادامه دارد.

عکس: اختصاصی شهرآرا

دستگیری گانگسترهای خیابانی در دلیجان

روی خط حادثه

مهرا| گروهی از مأموران دلیجان در استان مرکزی درحال گشت‌زنی بودند که به سرنشینان یک دستگاه خودرو سواری پژو مشکوک شدند و به آن دستور توقف دادند. اما سرنشینان خودرو پیاده شدند و با مأموران درگیر شدند و یکی از افسران را با سلاح سرد زخمی کردند. مأموران در دفاع از خود اقدام به تیراندازی کردند که یکی از متهمان از ناحیه پا زخمی شد. با وجود این، متهمان دوباره سوار خودرو شدند و بدون توجه به فرمان پلیس از محل گریختند. به‌دلیل بی‌توجهی راننده به دستور ایست، مأموران برای توقف خودرو اقدام به تیراندازی کردند که لاستیک خودرو پنچر شد و در ادامه خودرو پس از برخورد با گاردریل متوقف شد. در ادامه متهمان دستگیر شدند و فرد مصدوم به بیمارستان اعزام شد. در بازرسی از این خودرو، مقادیر درخورتوجهی ماده مخدر صنعتی شیشه و هروئین کشف شد.

رهایی محکوم به‌قصاص پس از ۲۶سال از زندان

مهرا| در سال ۱۳۷۹ در جریان نزاعی میان دو نفر در یکی از شهرهای استان خوزستان، یک نفر به قتل رسید و متهم پس از دستگیری و طی مراحل قانونی، به قصاص محکوم شد. در این مدت با تدابیر و پیگیری‌های مسئولان قضایی این استان و با اخذ وجه التزام از محکوم علیه، آزادی این فرد مورد موافقت قرار گرفت. در ادامه، این زندانی که بیش از دو دهه از عمر خود را پشت میله‌های زندان مرکزی اهواز سپری کرده بود، پس از ۲۶سال از زندان آزاد شد.

برخورد مرگ‌بار قطار با ۲عابر در سوادکوه

ایلنا| برخورد قطار با دو عابرپیاده در منطقه جوارم شهرستان سوادکوه، یک کشته و یک مصدوم برجا گذاشت. این حادثه در منطقه جوارم شهرستان سوادکوه رخ داد و با حضور امدادگران در محل مشخص شد که دو زن هفتاد و پنجاه‌وشش‌ساله هنگام عبور از روی ریل قطار، بر اثر برخورد با یک رام قطار مصدوم شده‌اند. با انتقال مصدومان به بیمارستان شهدای زیراب، زن هفتادساله جانش را از دست داد و مصدوم دیگر همچنان تحت درمان قرار دارد.

جهان حوادث

آشوب در زندان سریلانکا با ۲۵کشته

ایسنا| پلیس سریلانکا اعلام کرد در پی آشوب در زندانی در «نگومبو»، تاکنون ۲۵نفر کشته و حدود صد نفر دیگر زخمی شده‌اند. پنج نفر از قربانیان از کارکنان زندان و بیست نفر دیگر از زندانیان بوده‌اند. این ناآرامی‌ها نخستین بار روز یکشنبه و در پی درگیری میان دو گروه از زندانیان آغاز شد. وضعیت تا شامگاه یکشنبه تحت کنترل درآمده بود، اما صبح دیروز درگیری‌ها از سر گرفته شد.

۲۵کشته بر اثر گرما در آمریکا

فارس| ۲۵نفر در ایالات متحده بر اثر گرمای شدید و بی‌سابقه جان خود را از دست دادند. ۲۲نفر از قربانیان اهل ایالت نیوجرسی بوده‌اند. دمای هوا در واشنگتن دی‌سی در روز استقلال آمریکا به ۱۰۰.۴درجه فارنهایت رسید و رکورد صدساله گرما را شکست. چندین منطقه از ایالات متحده با گرمای شدید و طوفان‌های سهمگین مواجه هستند که بر پایداری شبکه‌های برق در سراسر این کشور تأثیر گذاشته است. در شهر نیویورک، گرما باعث ذوب‌شدن آسفالت خیابان‌ها شد.

تصادف اتوبوس با تراموا و ۱۴خودرو در لهستان

تابناک| در پی برخورد یک دستگاه اتوبوس شهری با یک تراموا و چندین خودرو و سپس ورود آن به یک زیرگذر عابر پیاده در ورشو، پایتخت لهستان، شش نفر زخمی شدند. این حادثه حوالی ساعت ۱۸ به وقت محلی رخ داد. راننده اتوبوس نقص فنی را دلیل این حادثه اعلام کرده است. آزمایش‌ها نشان داد که راننده تحت تأثیر الکل یا مواد مخدر نبوده است.

۶کشته در بارش شدید باران در هند

ایلنا| شش نفر از جمله پنج کودک، روزگذشته در اثر فروریختن گروهی از ساختمان‌ها در حومه شرقی بمبئی هند کشته شدند. این حادثه در پی بارش باران‌های شدید رخ داد. مقامات شهری اعلام کردند که دوسه خانه چندطبقه در یک محله فقیرنشین در منطقه منخورد بمبئی فرو ریخت. این آخرین تلفات باران‌های شدید در این منطقه است؛ بارش‌هایی که منجر به تعطیلی مدارس و اختلال در سفرها شده است.

جدول ۴۵۹۷

پاسخ ۴۵۹۶

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
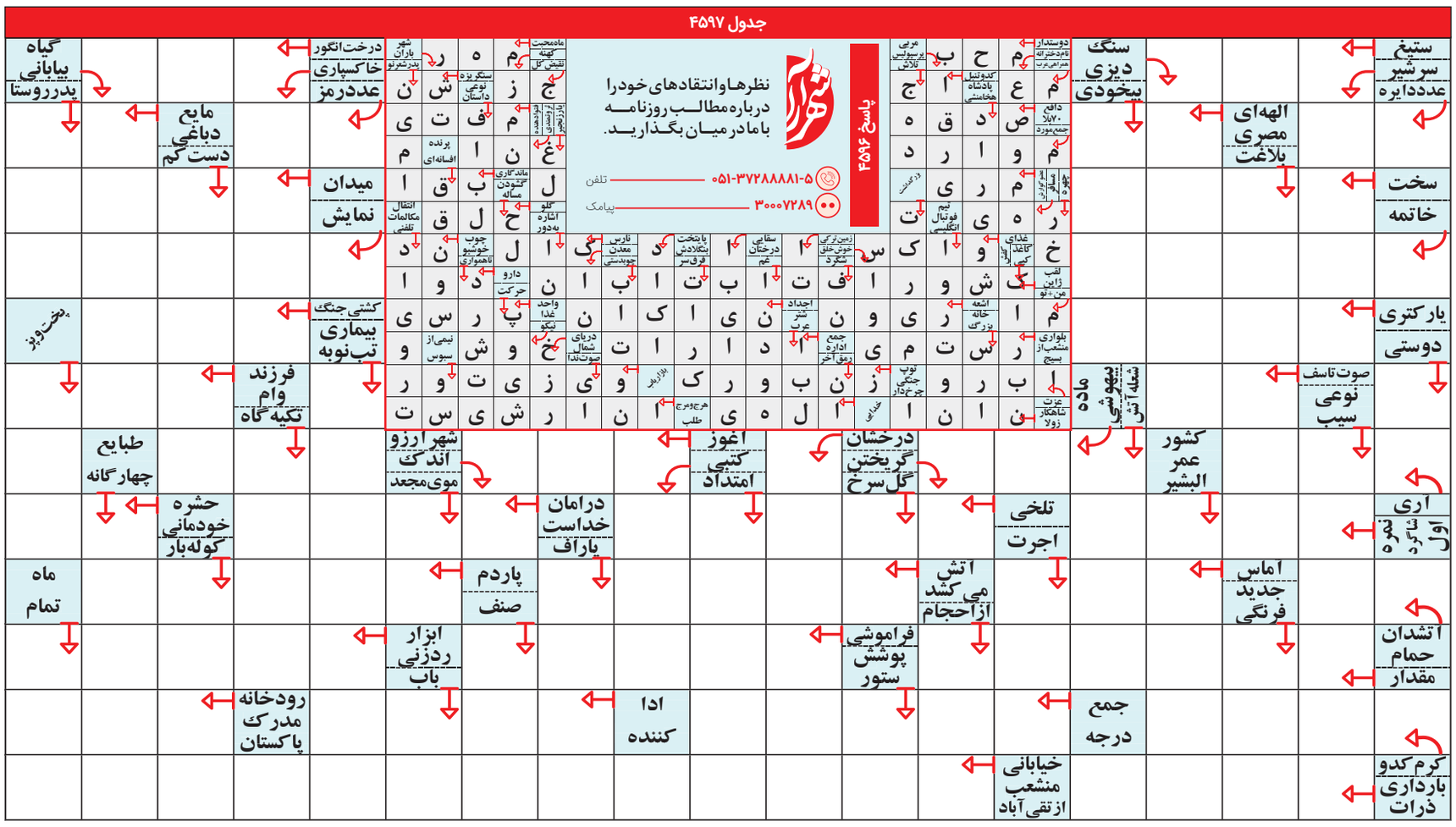
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹